

ترجمه کتاب

«اسرار الشریعه»

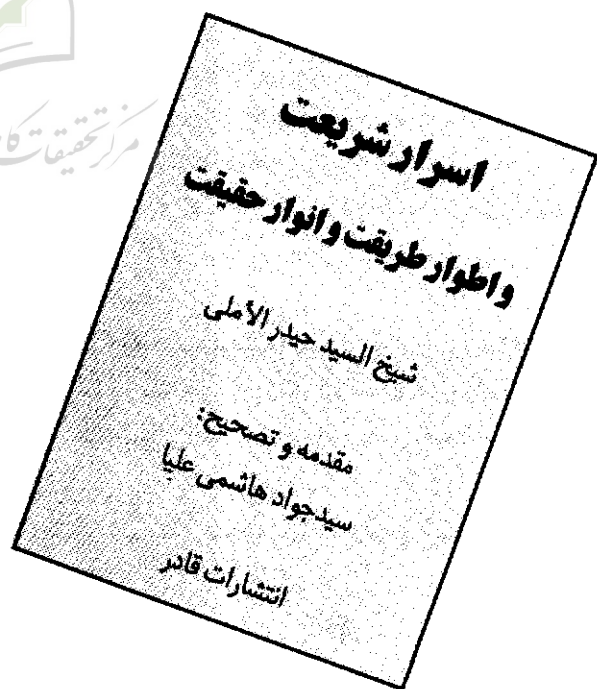
سید محمدرضا ابن الرسول

مقدمه

کتاب شریف «اسرار الشریعه» یکی از آثار گرانمایه عارف شیعی حضرت سید حیدر آملی است که با روشی بدیع، اصول و فروع دین را از سه منظر شریعت، طریقت و حقیقت بیان کرده است.

ترجمه این اثر ناب، پاسخ به انتظار برخی از دانش جویان و عرفان پژوهان بود که شاید به رغم عربی دانی می خواهند بی دغدغه خاطر و خستگی ذهن، چشم و دل خود را به نشری پارسی بنوازند. اما دریغ! این امر - که اخیراً به انجام رسیده^۱ - نتوانسته است حق این کتاب را - آن گونه که باید و شاید - ادا نماید و گامی در رفع مشکل پیوند زبان علمی دیروز و امروز این دیار به شمار آید. در این ترجمه، خواننده با کاری آشفته و ناهنجار مواجه می شود که اصول و روش ترجمه قابل قبول در بسیاری جنبه های آن نادیده گرفته شده است. به هر حال ما در این مقال می کوشیم با توجه به روش های علمی و فنی، ترجمه یاد شده را به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

پیش از شروع بحث، بایسته می نماید که یادآور شویم نقد ترجمه، نقد مترجم نیست و همچون سایر نقدهای علمی نباید اساتذات ادب و یابی حرمی به شخصیت وی قلمداد شود؛ چنان که مقتضای «انظر الی ما قبل ولا تنظر الی من قال» همین است. نیز هیچ نقدی به این معنا نیست که ناقد خود را داناتر و شایسته تر از کسی می داند که اثر وی در معرض نقد قرار گرفته است.



اسرار شریعت و اطوار طریقت و انوار حقیقت، شیخ السید حیدر الأملی، مقدمه و تصحیح: سیدجواد هاشمی علیا، تهران، انتشارات قادر، ۱۳۷۷ ش.

۱. مشخصات کامل ترجمه را در کتابنامه ببینید.

صاحب نظران فن ترجمه معتقدند^۶ در متون علمی و تخصصی برعکس متون ادبی، سبک و سیاق سخن در پشت محتوا می نشیند و نقش درجه دوم می یابد و از ویژگی های بارز این متن ها این است که در ترجمه آن ها بیش از هر چیز باید در زمینه محتوا برابری برقرار کرد. طیف جمله بندی این متون هم محدود است؛ چنان که طیف واژگان آن ها محدود است و در آن ها بیش تر از دانشواژه های مربوط استفاده می شود. نیز در سبک بیان، تنوع زیادی ندارند. چه، زبان علمی و فنی چندان پرداخت هنری نمی یابد. هنریان در این متون بیش تر در خدمت روشنی کلام و رسایی مطلب به کار گرفته می شود.

این ویژگی ها می تواند ترجمه متون علمی را بسیار آسان سازد؛ آنچه دشوار است درک کارشناسانه متن تخصصی است. به عبارات دیگر در ترجمه این متون افزون بر توانایی در زبان، به دانش فنی نیز نیاز است و فهم روشن محتوا از اصول معتبر ترجمه متون تخصصی است.

ویژگی های ترجمه خوب

نگارنده این سطور در نقد ترجمه کتاب «اسرار الشریعه» ترجیح می دهد با توجه به ویژگی های یک ترجمه درست و قابل قبول - که اهل فن بر آن اتفاق نظر دارند- و با ارائه نمونه هایی از این ترجمه، داوری نهایی را به خوانندگان گرامی واگذارد. پیشاپیش می گویم که مترجم محترم در مقدمه خود چند نکته را یادآور شده اند:^۷

الف. «حضرت سید(ره) در عین فصاحت و بلاغت تمام، معانی متنیع و بلند عرفانی را در الفاظ ساده و روان بیان کرده» است. البته شیوایی قلم مصنف مورد تأکید مصحح کتاب و دیگر

۲. درباره حکم شرعی ترجمه به کتاب ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۶۹، مراجعه نمایید.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. همان، ص ۶۲.

۵. البته استاد حکیمی استدر اکی هم دارند: «نیز باید بگویم که برخی از مترجمان آثار مذهبی، مردمی فاضل و محقق و متدینند و چه بسا به قصد خدمت دست به کار ترجمه می زنند، اما اهل سخن و قادر بر او نیستند. چون فضل و دیانت، امری است و فن و تکنیک امری جدا». (ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۶۷)

۶. مبانی ترجمه، ص ۸۲-۸۴.

۷. اسرار شریعت، ص ۸.

در باب ترجمه، نکته نخست این است که صرف آشنایی با زبان دوم و حتی فهم کامل متنی از آن زبان، مجوز دست یازی به کار خطیر ترجمه نیست. ترجمه خود یک فن است و همچون سایر فنون، روش های آموختنی و چنانچه (=الگو) های پذیرفتنی دارد و فراگیری آن به دو عامل تقلید و تمرین (=آزمون و خطا) متکی است و البته در آن، راه بر نظریه پردازی و نوآوری و هنرنمایی های بدیع هم بسته نیست. به قول خواجه شیراز:

هزار نکته باریک تر ز موی این جا است

نه هر که سر بترشد قلندری داند

زبان، رایج ترین و فراگیرترین ابزار ارتباط فرهنگ ها و تبادل علوم و فنون است و کلید پیوند زبان های گونه گون هم ترجمه است. رسالت دیگر این فن، نقل گنجینه علمی گذشتگان به فرهنگ و زبان امروزی است. اما ترجمه در حوزه معارف دینی، اهمیتی دو چندان می یابد؛ چرا که ضامن انتقال فرهنگ دینی است و اندک بی مسؤولیتی و بی دقتی به انحطاط و زوال و انزوای این فرهنگ می انجامد و از همین روست که ترجمه از آن جا که نوعی نقل معنی و مضمون است- در مورد قرآن و حدیث دارای احکام سختگیرانه فقهی است و از آن جا که نوعی نقل قول قلمداد شده است- در پاره ای موازید، مشمول احکام مربوطه به خبررسانی و صدق و کذب آن خواهد بود.^۲ در این باره استاد محمدرضا حکیمی سال ها پیش دردمندانه شکوه سر داده اند که:

بیش تر متن های مذهبی و کتب اسلامی- که در اصل بلیغ و شیوا نوشته شده است و دارای نثری بلند و استوار و نافذ است- در ترجمه به صورتی مبتذل و منحط و ... عرضه گشته است. نه مترجمان، نه ناشران، به حدود و وظیفه پای بند نیستند، یا از حدود امر آگاه نیستند و در نتیجه بهترین مواریث فرهنگ اسلام را به خنک ترین، بدترین و منحط ترین نوع ترجمه و چاپ عرضه کرده اند ... و این سهل گیری و بی توجهی، خیانت است به اسلام، و خیانت است به فرهنگ متعالی اسلام، و به کلام والای بزرگان اسلام، و سخن پر رونق علمای اسلام.^۳

و باز در بیان نتیجه اسفبار این گونه ترجمه ها آورده اند:^۴

«این امر ... موجب می شود تا عموم خوانندگان به رغبت و به مقدار زیاد این گونه آثار را نخوانند و آن مقدار هم که می خوانند اثری که باید، در نفس آنان نگذارد».^۵

تجلی کردی از برای موجودات از پس پوشش های ایشان پس نمو کرد و زیاد شد به آنچه منضم گشت بر او پوشش ها»^{۱۳}

یادکرد برخی ناروایی ها و نارسایی ها

متأسفانه ترجمه مورد بحث آن قدر سرشار از نمونه های مثال زدنی ترجمه مردول و سخیف است که می توان بدون نگرانی هر صفحه ای از آن را باز کرد و بی دردسر، لغزش ها و نادرستی ها فراوان آن را باز جست، از این رو اگر ترجمه قابل قبولی نیست لیکن برای تمرین درس هایی همچون «نقد عملی ترجمه» یکی از بهترین گزینه هاست. ما در این جا از باب مشت نمونه خروار، مواردی را می آوریم:

۱. برخی از اغلاط مربوط به برابریابی:

«لا یقوم به الا اولوا الفضل الكثير»: «اقدام و پایداری چنین راهی را ندارد، مگر صاحبان دانش و فضیلت بسیار».^{۱۴}

«اذ هو مقام الاولیاء والانبیاء، والامثال من الحكماء الاذکیاء»: «زیرا آن مقام انبیاء و اولیاست و همانندی آن مقامات از برای حکما و هوشمندان ثابت است».^{۱۵}

«فوضعت هذا الكتاب وسمته حسین رسمته، بانوار

۸. استاد خواجهی در یک جا (اسرار الشریعه، مقدمه، ص چهار) می نویسد

که مصنف کتاب «قلم بلاغت شیم او برای پارسی زبانان حکم مطلوب جانی را دارد»، و در جایی دیگر (همان، ص شش) می آورد که مطالب مصنف «به زبان شیرین عربی، و به خصوص با فصاحت شیوا و ویژه» وی همراه است. آقای محمدرضا جوزی نیز در پیشگفتار ترجمه خود (مقدمه کتاب نص النصوص در شرح فصوص، ص نه) نوشته است که مصنف «قلمی فصیح و بلیغ و روان و شیرین دارد که گواه ذوق و لطافت طبع اوست».

۹. مترجم محترم در خاتمه مقدمه خود اظهار می کند که اگر لغزش و خللی در ترجمه این کتاب ملاحظه شد، به دیده اغماض به آن بنگرید. (اسرار شریعت، ص ۹)

۱۰. تئوری های ترجمه، ص ۱۸۷.

۱۱. همان، ص ۱۹۰.

۱۲. اسرار شریعت، ص ۲۸۸؛ متن عربی چنین است: «وأفدنك خلاصة ما تلقمته بجدي وكدحي من المظان البعيدة المتفرقة، فارصدته لك وحويته في دستور جمعته وطرحة بين يدك». (اسرار الشریعه، ص ۲۶۰)

۱۳. اسرار شریعت، ص ۸۰؛ متن عربی شعرها چنین است (اسرار الشریعه، ص ۶۳):

جمالک فی کل الحقایق سافر

ولیس له الا جلالک ساتر

تجلت للاکوان خلف ستورها

فتمت بما ضمت علیه الستائر.

۱۴. متن، ص ۴، و ترجمه، ص ۱۲.

۱۵. همان.

مترجمان آثار آن عارف بزرگ هم قرار گرفته است.^۸

ب. تمام سعی مترجم «آن بوده است که ترجمه، از سویی دقیق، سلیس و روان باشد؛ از گنگی و تعقیدهای لفظی و معنوی دور باشد و از طرفی، تمام معانی و مفاهیمی را که حضرت سید(ره) اراده فرموده است، برساند. و نیز سعی کرده است «که مراعات سادگی و بی پیرایگی بشود و از پرداختن به الفاظ و آوردن کلمات بی محتوا» اجتناب کند «تا ترجمه قلیل و کثیر المعنی شود البته نه در حد ایجاز مخل بلکه» کوشیده است «تا در لفظ و معنا حفظ مساوات گردد».

اکنون با توجه به بند الف گفتار مترجم، و با عنایت به مقدمه ای که پیش تر آوردیم، رسالت و مسؤولیت خطیر این ترجمه روشن می شود و راه را بر هر گونه تسامح و اغماض^۹ در نقد آن می بندد.

در خصوص بند دیگر هم می افزاییم که انتقال درست معنی - به این بیان که نزدیک ترین برابر مفهومی در زبان مقصد، انتخاب شده باشد - و رعایت سبک و شیوه بیان متن مبدأ - تا آن جا که

ظرفیت زبان مقصد ایجاب کند - و ترجمه گون نبودن اثر مترجم - به این معنی که به نثر رایج زبان مقصد باشد و نشان ندهد که ترجمه است، هر سه از ویژگی ها و نشانه های یک ترجمه خوب

است. به عبارت دیگر چنان که پیش تر صاحب نظران فن ترجمه معتقدند «ترجمه خوب باید ... به حدی شیوا باشد که بتواند در خوانندگان متن در زبان مقصد همان تأثیر و نفوذ را داشته باشد

که متن اصلی در زبان مبدأ داشته است».^{۱۰} به دیگر سخن «مترجم قابل باید ... علاوه بر ساین توانایی ها، حداقل به دو زبان مبدأ و مقصد تسلط کامل داشته باشد. منظور از آگاهی آن نیست که

فقط به آن دو زبان تکلم کند، بلکه به تمامی ابعاد فرهنگی زبان آشنا باشد ... به فرهنگ جامعه ای که متن اصلی از بطن آن تراویده و نیز به فرهنگ جامعه ای که به زبان آن متن برگردان

شده، آشنایی کافی داشته باشد».^{۱۱}

اما افسوس که در ترجمه مورد بحث، هیچ کدام از این آرزوها تحقق نیافته است. در این جا پیش از ذکر جزئیات دو نمونه از این ترجمه را - که یکی مربوط به نثر و دیگری ترجمه شعر است - می آوریم تا - با این فرض که ترجمه باید خواننده را از

متن بی نیاز کند - خود، داوری کنید:

«و به تو فایده رسانیده ام، خلاصه آنچه را که قابل تناول ساخته ام به کوشش و رنج خودم، از محل های مورد احتمال بسیار دور و پراکنده، پس نگرهبانی کرده ام آن را برای تو و گردآورده ام آن را در

دستوری و جمع کرده ام آن را و بین دو دست تو نهاده و گشاده ام»^{۱۲}

«جمال تو در تمام حقایق رونده و سفرکننده است

و نیست از برای آن مگر جلال تو پوشنده

الحقیقة...»: «پس قرار دادم این کتاب را و نامیدم آن را به هنگام ترسیم، به انوار حقیقت...»^{۱۶}

- «الشريعة ان تقيم بامرہ، والطريقة ان تقوم بامرہ»: «شریعت این است که قیام کنی به امر او و طریقت آن است که به امر او قیام کنی»^{۱۷}.
- «سینه تسوی خیر من حسنة تعجبک»: «گناهی که ترا زشت و ناپسند گرداند بهتر است از کار پسندیده و نیکی که ترا به عجب آرد»^{۱۸}.
- «لا يزال العبد يتقرب الي بالنوافل»: «ثابت و پابرجاست عبد و بنده که تقرب می جوید به سوی من به نافلة‌ها و مستحبات»^{۱۹}.
- «وصم عن الشهوات، وصل والليل مظلم»: «و از شهوات کرباش و در تاریکی شب، اتصال پیدا کن»^{۲۰}.
- «ويطلب منك العون بصورة الابانة عن صفة العجز»: «و به صورت جدایی از صفت عجز و نقصان وجود، از تو طلب کمک می نماید»^{۲۱}.

- و مواردی دیگری که مثلاً «اللوزة» به «گردو و فندق»، «اطراف الاصابع» به «اطراف انگشتان»، «رمی» به «هدف گیری» و «جواری شمشه و قمره» به «کنیزان خورشید و ماهش» ترجمه شده است.^{۲۲}

۲. ترجمه تحت اللفظی - به ویژه اگر ترتیب کلمات متن مبدأ در آن حفظ شود - ابتدایی ترین، ناتوان ترین، خام ترین و ناکام ترین نوع ترجمه است و ترجمه ای ترجمه گون فراهم می آورد. ترجمه باید مطابق با جمله بندی زبان مقصد سامان یابد. تغییر در ترتیب اجزای جمله از جوازات ترجمه است.^{۲۳} و مترجم باید از تأثیر قهری دستور زبان مبدأ بر زبان ترجمه پرهیز کند.^{۲۴} اما در ترجمه مورد بحث حتی به این نکته ساده که فعل در جمله های فارسی معمولاً در آخر جمله قرار می گیرد، توجه چندانی نشده است؛ گو این که ترجمانی مبتدی، ترجمه ای محاوره ای عرضه کرده است:

- «ولا يمكن خلاف الذي من النظام والانتظام والاتقان والاحكام»: «و ممکن هم نیست که برخلاف آن چیزی باشد که بر اوست از نظم و انتظام و استواری و محکمی»^{۲۵}.

- «كقول بعضهم لبعض مرديهم مثلاً»: «مانند کلمات و گفتار بعضی از آن‌ها به جهت بعضی از مریدان خود»^{۲۶}.
- «وغيرها مما لا بد منه»: «و غیر آن‌ها از چیزهایی که ناچار است از آن»^{۲۷}.

- «تعالی الله عن ذلك علواً كبيراً»: «و خداوند برتر است از آن برتری بزرگ»^{۲۸}.

- «و علمهم ان يطلبوا منه الاستقامة على صراط من انعم عليهم بالانعام الخالص من شوب الغضب و محبة الضلال، فلسان مقامهم يقول»: «و یاد داد آن‌ها را که طلب استقامت و پایداری نمایند از او، بر راه و طریق کسانی که نعمت

داد بر ایشان به انعام خاص و خالص از آمیزش غضب و محبت گمراهی که زیان مقدم ایشان می گوید»^{۲۹}.

- «فقس ما غاب عنك على ما حضرک یا تیک العیان»: «پس قیاس کن آنچه از تو غایب است بر آنچه را که حاضر توست، آن گاه می آید تو را عینیت و عیان»^{۳۰}.

۳. افراط در ترجمه کلمه به کلمه و بی توجهی به ساختار جمله های زبان مقصد و نیز استفاده از کلمات و ترکیبات غریب و نامأنوس و غفلت از جایگاه جمله های پایه و پیرو، و در یک کلام، بی اعتنایی به آیین ترجمه عربی به فارسی، جمله هایی پیچیده و ترکیباتی نامفهوم پدید می آورد که گاه با چند بار خواندن هم معنای آن دریافت نمی شود، جز آن که ترجمه با متن تطبیق داده شود و برای فهم ترجمه از متن کمک گرفته شود، و این همان چیزی است که مترجم محترم در مقدمه خود از آن احتراز جسته بود؛ به ترجمه و سپس متن در نمونه های زیر توجه فرمایید:
- «تكاليف شرعی دینی لطفی» در ترجمه «التكاليف الشرعية الدينية اللطيفة»^{۳۱}.

- «بعید به نظر نمی رسد که ذخیره شود بعضی از علوم و دانش‌ها برای بعضی از آیندگان، آنچه مشکل شده است بر بسیاری از گذشتگان» در ترجمه «فغير مستبعد ان یدخر منها لبعض المتأخرين ما عسر علی كثير من المتقدمين»^{۳۲}.
- «تابسبب آن دفع، حاصل شود از برای آن‌ها قابلیت و استعداد پذیرش، به جهت کلماتی که شنیدن آن‌ها نامأنوس و نامفهوم است از برای آن‌ها تا بتوانند قبول کنند آن کلمات را از گویندگان آن،

۱۶. متن، ص ۵، و ترجمه، ص ۱۳.

۱۷. متن، ص ۸، و ترجمه، ص ۱۸.

۱۸. متن، ص ۱۳۹، و ترجمه، ص ۱۶۳.

۱۹. متن، ص ۱۴۰، و ترجمه، ص ۱۶۴.

۲۰. متن، ص ۲۵۳، و ترجمه، ص ۲۸۱.

۲۱. متن، ص ۲۵۷، و ترجمه، ص ۲۸۵.

۲۲. متن، ص ۹، ۱۲۷، ۱۴۰، ۲۵۵، و ترجمه، ص ۱۹، ۱۶۰، ۱۶۴ و ۲۸۴.

۲۳. تئوری های ترجمه، ص ۱۴.

۲۴. فن ترجمه، ص ۵۷.

۲۵. متن، ص ۷، و ترجمه، ص ۱۶.

۲۶. متن، ص ۸، و ترجمه، ص ۱۷.

۲۷. متن، ص ۹۳، و ترجمه، ص ۱۱۳.

۲۸. متن، ص ۹۷، و ترجمه، ص ۱۱۷.

۲۹. متن، ص ۲۵۶، و ترجمه، ص ۲۸۵.

۳۰. متن، ص ۲۵۷، و ترجمه، ص ۲۸۶.

۳۱. متن، ص ۳، و ترجمه، ص ۱۱.

۳۲. متن، ص ۴، و ترجمه، ص ۱۳.

چون عبارت آن علما، بیان شرع نبوی و وضع الهی است، چنان که گذشت «ترجمه» و یحصل لهم بذلك الاستعداد والقابلية لاستماع الكلمات الایة وقبولها من قائلها، لان عبارة هؤلاء العلماء بیان الشرع النبوی والوضع الالهی كما سبق تحقیقه وتقدم تقریره»^{۳۳} - «و این را به صرف ادعا نمی گویم بلکه می شناسد آن را، کسی که آزموده است آن را، و قائم به مباحثه آن بر جهت خود، محتاج به اعلام آن نیست، چون او می شناسد آن را و در نزد او عظمت و بزرگی موقعیت و علو قدر آن محقق می شود» در ترجمه «ولیس اقول هذا بجزرد الدعوی بل يعرفه من امتحنه والقائم بمباحثته علی جهتها لایحتاج الی اعلامه بذلك، فانه يعرفه یتحقق عنده عظم موقعه وعلوه قدره»^{۳۴}

۴. از نکات مهم در ترجمه متون تخصصی آن است^{۳۵} که مترجم باید قبل از اقدام به ترجمه، مقداری از متون موجود درباره آن زمینه تخصصی را در زبان مقصد مورد مطالعه قرار داده، از روش های مستنی رایج در این زبان مطلع بشود، در غیر این صورت حاصل کار وی قابل فهم خوانندگان نخواهد بود و اصطلاحات به کار رفته در آن خود احتیاج به مترجم دومی خواهد داشت. نیز مترجم باید توجه ویژه ای به روش های ارائه مفاهیم مختص زبان و فرهنگ مبدأ در زبان مقصد مبذول بدارد. زبان ها با هم همگون نیستند و این امر موقعی برای مترجم مشکل آفرین است که متن زبان مبدأ دارای مفاهیمی باشد که زبان مقصد فاقد واژه هایی برای بیان آن مفاهیم باشد. در چنین مواردی مترجم یا باید اصطلاحات زبان مبدأ را عیناً به عاریت بگیرد و یا دست به ترکیب سازی بزند و البته هر کدام از این دو راه شرایطی دارد و در روش اخیر مترجم باید در زیر نویس، عین واژه زبان مبدأ و مفهوم آن را به خواننده معرفی کند. نکته دیگر در این باره تهیه اصطلاح نامه پایانی است که در ترجمه متون تخصصی اهمیت ویژه ای دارد و کلید حل بسیاری از عبارات های مغلق است.

مترجم محترم «اسرار الشریعه» می بایست حداقل ترجمه های دیگر آثار مصنف را ملاحظه می نمود^{۳۶} و سپس دست به کار برگردان چنین اثر گرانمایه ای می شد. ^{۳۷} برای نشان دادن نارسایی ترجمه مورد بحث در زمینه اصطلاحات و عبارات های خاص متون عرفان نظری، یکی دو نمونه کفایت است:

- «ومسح الرجلین عبارة عن تنزیه قوتی العملية والعلمیة عن السیر الی بالله ولله و فی الله»: «و مسح دو پا، عبارت است از تنزیه پاک کردن دو قوه علمی و عملی از سیر مگر به سوی خدا و به خدا و از برای خدا و در خدا»^{۳۸}

- «واعلم ان الاتحاد والاتصال لایتصور علی الظواهر فیما لیس بجسم، بل هو راجع الی استغراق النفس لأجل العلوم، بل

راجع الی انتقاش النفس بامر غیبی یتأدی الی الحس المشترك...»: «بدان این که اتحاد و اتصال تصور نمی شود بر ظواهر، در آنچه را که جسم نیست بلکه آن راجع به استغراق نفس است، به جهت علوم و بازگشت آن به نقش پذیری آن است، به امر غیبی که جاری به حس مشترک گردد»^{۳۹}

- «یا صاحب الکلمة العلیا ورب السکينة الکبری»: «ای صاحب کلمه علیا و رب سکینه کبری»^{۴۰}

نکاتی را که درباره ترجمه متون تخصصی آوردیم، در اشعار مربوط به این متون هم جاری است، که به دلیل ویژگی های نظم، دقت و تأمل بیش تری می طلبد. به دو نمونه زیر صرف نظر از اغلاط آن توجه فرمایید:

- فالکل مفتقر ما الکل مستغن
هذا هو الحق قد قلناه لانکنی
فالکل بالکل مربوط و لیس له
عنه انفصال خذوا ما قلته عنی:

کل و مجموع محتاج نیست چنان که کل بی نیاز نیست
این حق است که گفتیم نپوشان آن را
پس کل به کل مربوط است و نیست از برای کل
جدایی از کل بگیر آنچه گفتیم آن را از من.^{۴۱}
- ولو کنت بی من نقطه الباء خفضة
رفعت الی ما لم تنله بحیلة:
اگر تو به من از نقطه باء کسری دهی

۳۳. متن، ص ۵، و ترجمه، ص ۱۴.

۳۴. متن، ص ۲۶۰، و ترجمه، ص ۲۸۹.

۳۵. دوآمدی به اصول و روش ترجمه، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۳۶. از آثار مصنف، یکی رساله نقد النقود فی معرفة الوجود است که توسط مترجم فرزانه جناب دکتر سید حمید طبیبیان ترجمه شده است، و دیگری مقدمه کتاب نص النصوص در شرح فصوص است که آن هم توسط آقای محمدرضا جوزی برگردان شده است. مشخصات کامل این دو کتاب را در کتابنامه مقاله حاضر ببینید. نیز مصحح کتاب در مقدمه خود، چکیده ای از مطالب آن را در بیش از بیست صفحه، به فارسی آورده است. (اسرار الشریعه، ص چهل- شصت و پنج)

۳۷. گفتنی است مترجم محترم، علاوه بر کتاب اسرار الشریعه، اثر مهم دیگری از مصنف را هم به فارسی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است؛ به کتابنامه مقاله مراجعه کنید.

۳۸. متن، ص ۱۴۰، و ترجمه، ص ۱۶۳.

۳۹. متن، ص ۲۵۳، و ترجمه، ص ۲۸۱.

۴۰. متن، ص ۲۵۴، و ترجمه، ص ۲۸۲.

۴۱. متن، ص ۱۱۱، و ترجمه، ص ۱۳۲. گفتنی است ضبط متن مصحح عربی در بیت نخست دو غلط (ما الکل مفتقر- لانکنی) دارد که مترجم بدون توجه به آن، به همین صورت غلط ترجمه کرده است. نیز مقایسه کنید این ترجمه را با ترجمه منقول در رساله نقد النقود، ص ۴۱. (پانوشته)

۲. اسرار الشریعه: اطوار الطریقه و انوار الحقیقه؛ الآملی، السید حیدر؛ با مقدمه و تصحیح محمد خواجهوی؛ تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
۳. اسرار شریعت و اطوار طریقت و انوار حقیقت، آملی، شیخ سید حیدر؛ ترجمه و تعلیق: سید جواد هاشمی علیا؛ تهران، انتشارات قادر، ۱۳۷۷ ش.
۴. اصول و مبانی ترجمه؛ صفارزاده، طاهره؛ چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵. تئوری‌های ترجمه: و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان؛ میرعمادی، سیدعلی؛ چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خانه فرهنگ، ۱۳۷۴ ش.
۶. جامع الاسرار و منبع الانوار؛ آملی، حیدر؛ ترجمه جواد هاشمی علیا؛ تهران، انتشارات قادر، ۱۳۷۷ ش.
۷. درآمدی بر مبانی ترجمه: عربی به فارسی-فارسی به عربی؛ فاتحی نژاد، عنایت‌الله و بابک فرزانه؛ تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه، ۱۳۸۰ ش.
۸. درآمدی به اصول و روش ترجمه؛ لطفی پور ساعدی، کاظمی؛ چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش.
۹. رساله نقد النمود فی معرفه الوجود؛ آملی، سید حیدر؛ ترجمه و تعلیق سید حمید طبیبیان؛ تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی؛ یحیی؛ تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)-کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. مبانی ترجمه؛ حدادی، محمود؛ تهران، انتشارات جمال الحق، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. مقدمه کتاب نص النصوص: در شرح فصوص الحکم محی‌الدین بن عربی؛ آملی، شیخ سید حیدر؛ ترجمه محمدرضا جوزی، انتشارات روزنه، ۱۳۷۵ ش.

بالا خواهیم رفت به آنچه که به حیل خود نمی‌توانست رسید. ۴۲

۵. مترجم باید تا حد امکان سعی کند که در برابر هر واژه از زبان مبدأ تنها یک واژه در زبان مقصد قرار دهد و از تعدد مترادفات در ترجمه پرهیز کند که اگر از حد طبیعی خارج شود، موجب افزایش حجم کتاب می‌گردد. ۴۳

حتی اهل فن، حذف همانگویی‌های (=Tautologies) متن اصلی را هم در ترجمه جایز می‌شمارند. ۴۴ اما مترجم کتاب مورد بحث - علی‌رغم مدعای خود در مقدمه - تقریباً در هر سطر یک بار مرتکب این کار شده است و بدینسان حجم ترجمه خود را بیهوده افزایش داده است. برخی مثال‌های این تکرار و حشورا در نمونه‌های قبلی ملاحظه کردید و برای تکمیل بحث به یک نمونه دیگر اشاره می‌کنیم: در دوازده سطر متن فارسی (برگردانیده شش سطر متن عربی)، نه مورد عطف تردافی و سه مورد عطف تفسیری و تزیینی به شرح زیر مشاهده گردید:

کیفیت و چگونگی - اتصال و پیوستگی - قرب و نزدیکی - ذات و وجود - مراحل و درجات - دانستن و شناخت - محو و فنا - خلاص و رها - خالص و پاک - وحدت حقیقی و ذات بی‌چونی - مرتبه احدیث و دریای بیکران صمدیت - مقام و قرب. ۴۵

پیش از به پایان بردن این گفتار، یادآوری دو نکته بایسته می‌نماید: نخست این که مصحح محترم کتاب اسرار الشریعه - چنان که گذشت - چکیده مطالب کتاب را در مقدمه خود به زبان فارسی آورده و اظهار امیدواری کرده که این چکیده، خوانندگان را از ترجمه متن بی‌نیاز کند. ۴۶ به همین روی جا داشت مترجم محترم در مقدمه خود درباره ضرورت ترجمه مفصل کتاب هم چند جمله‌ای بنویسد. دو دیگر آن که بر روی جلد ترجمه و نیز صفحه شناسنامه آن، عبارت «ترجمه و تعلیق» آمده است در حالی که در سرتاسر کتاب حتی یک تعلیقه هم به چشم نمی‌خورد.

فرجام این مقال را همچون آغاز آن به تذکاری از استاد محمدرضا حکیمی می‌آراییم:

«اگر گمان می‌کنید، ترجمه متون مذهبی و تألیفات عالمان بزرگ شیعه - که خود بهترین نرها و سبک‌ها را در کتاب‌های خویش به کار برده‌اند - خدمت است به دین، و نشر این ترجمه‌ها کاری است برای اسلام و تشیع، اشتباه می‌کنید. اگر قصد خدمت دارید و آهنگ مال و منال ندارید، دست از این کار بردارید، کتاب‌ها را زده و خراب نکنید، تا استادان و شایستگان و متخصصان - به هنگام لزوم - پا پیش نهند و کار را به صورت شایسته انجام دهند و دین خدا را، از طریق نشر فرهنگ متعالی آن، مدد رسانند». ۴۷

کتابنامه

۱. ادبیات و تعهد اسلام: بحث و نمونه؛ حکیمی، محمدرضا؛ تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ش.